



تحلیل گفتمان سیاسی امام حسین علیه السلام بر پایه خطبه‌ها و نامه‌ها

دریافت: ۱۴۰۴/۱۱/۱۳، بازنگری: ۱۴۰۵/۰۲/۰۲، پذیرش: ۱۴۰۵/۰۲/۱۲

حسن مجیدی^۱

چکیده

گفتمان سیاسی شیعه و امدار قیام سالار شهیدان، کانون ارزشمند حرکت اصلاح‌گرا و انقلابی است که این قیام در دو ساحت کنش عملی و گفتاری، درس آموز است. تحلیل ابعاد کنش گفتاری و گفتمان سیاسی امام حسین علیه السلام از نقطه آغاز قیام از مدینه تا شهادت در روز عاشورا بر پایه سخنان و نامه‌های امام علیه السلام کمتر صورت گرفته است. این مقاله به روش تحلیل گفتمان انتقادی تنون و ن‌دایک، به بررسی خطبه‌ها و نامه‌های امام حسین علیه السلام از مدینه تا کربلا می‌پردازد. هدف اصلی این مقاله نشان دادن کنش گفتاری امام حسین علیه السلام و ظرفیت‌های زبان برای بازنمایی قدرت، مقاومت و اصلاح امت به‌عنوان اهداف قیام است. یافته‌های مقاله نشان می‌دهد که سخنان و نوشتار امام حسین علیه السلام با بهره‌گیری از قرآن کریم و سخنان پیامبر ﷺ ساختارهایی عمیقاً ایدئولوژیک دارند و اهداف قیام را برای اثبات حقانیت خود و بطلان ایدئولوژی و کنش قدرت حاکم، بازنمایی می‌کنند و امام از راهبردهایی همچون نقل قول که عمدتاً از قرآن و سخنان پیامبر ﷺ است، واژگان ارزشی، انسجام معنایی، دوقطبی‌سازی (به‌خصوص حق و باطل)، استعاره، حسن تعبیر، چشم‌انداز (عمدتاً از موضع امامت و حجت خدا برای مردم) در شکل‌دهی به گفتمان سیاسی خود بهره می‌گیرند. بهره‌گیری از این راهبردها در تثبیت و ماندگاری گفتمان سیاسی امام حسین علیه السلام تاثیرگذار بوده است.

کلیدواژه‌ها: امام حسین علیه السلام، تحلیل گفتمان، ون‌دایک، خطبه‌ها، استراتژی‌های زبانی، عاشورا.

۱. دانشیار گروه علوم سیاسی، دانشکده معارف اسلامی و علوم سیاسی، دانشگاه امام صادق علیه السلام، تهران، ایران: h.majidi@isu.ac.ir

۱. مقدمه

۱-۱. بیان مسئله

قیام امام حسین (علیه السلام) نه تنها تاثیری شگرف در تاریخ اسلام و تشیع بر جا گذاشت، بلکه می‌توان آن را یکی از حرکت‌های حماسی بشری دانست که درس مقاومت و مقابله با گفتمان باطل را به بشریت آموخت. بر اساس اندیشه امام حسین (علیه السلام) وضعیت موجود جامعه اسلامی در آن دوران، تنها از طریق یک انقلاب بنیادین که منجر به فروپاشی حکومت شود، قابل تغییر بود (رنجبر، ۱۳۸۲). دوره امامت امام حسین (علیه السلام) را می‌توان به دو دوره از صلح امام حسن (علیه السلام) تا مرگ معاویه و از جانشینی یزید که غیرقانونی و مغایر با صلح‌نامه امام حسن بود تا شهادت تقسیم کرد. در دوره معاویه، امام حسین (علیه السلام) با اینکه در مناسبت‌های مختلف، نامشروع بودن حکومت و خلافت وی را افشا می‌کردند؛ اما ایشان به‌عنوان یکی از افراد تابع امام حسن (علیه السلام) در زمان حیات برادر، این صلح‌نامه را پذیرفت و خود را موظف می‌دانست از بیعت‌شکنی خودداری ورزد. اقدامات تبلیغی امام حسین (علیه السلام) به هیچ وجه بیعت‌شکنی محسوب نمی‌شد (حیدری، ۱۳۸۱). اقدامات تبلیغی ایشان اما در دوره قیام، با جهاد عملی، ابعادی تاریخی یافت. قیام کلامی و کنش گفتاری امام حسین (علیه السلام) در فاصله مدینه تا عاشورا همانند جهاد عملی، درس آموز است. با این حال، تحلیل ابعاد قیام و کنش گفتاری و گفتمان سیاسی امام حسین (علیه السلام) از نقطه آغاز قیام از مدینه تا شهادت در روز عاشورا بر پایه سخنان و نامه‌های امام، کمتر صورت گرفته است و مجموعه این سخنان به عنوان یک کل منسجم و هدفمند در راستای تحقق اهداف قیام، از زاویه گفتمان سیاسی تحلیل نشده است. از این رو، کاستی‌های موجود در شناخت اهمیت سلاح زبان و گفتار و کنش‌های اظهاری و گفتاری امام حسین (علیه السلام) در راستای اهداف و انگیزه‌های امام حسین (علیه السلام) مسئله این مقاله است.

۲-۱. هدف پژوهش

هدف اصلی این پژوهش نشان دادن کنش گفتاری امام حسین (علیه السلام) و ظرفیت‌های زبان برای بازنمایی قدرت، مقاومت و اصلاح امت به‌عنوان اهداف قیام است. پرسش اساسی

مقاله این است که راهبردهای گفتمان سیاسی امام حسین (علیه السلام) در خطبه‌ها و نامه‌های ایشان از مدینه تا کربلا چگونه بازتاب یافته است؟ به این پرسش بر اساس روش تحلیل گفتمان ون دایک پاسخ داده خواهد شد. برای استناد به خطبه‌ها و نامه‌های امام حسین (علیه السلام) عمدتاً از ترجمه موسوعه کلمات الامام حسین که با عنوان فرهنگ جامع سخنان امام حسین (علیه السلام) ترجمه شده و نیز کتاب «سخنان امام حسین از مدینه تا کربلا» نوشته محمد صادق نجمی (۱۴۰۲) استفاده شده است. البته نگارنده متن نامه‌ها را با کتاب‌های مهم تاریخی به خصوص تاریخ ابن کثیر (۱۴۰۷) (البدایه و النهایه) تطبیق داده است. تاریخ ابن کثیر نسبت به مروج الذهب ابن مسعودی و تاریخ طبری که به اختصار به مقتل امام پرداخته‌اند با جزئیات بیشتر، زندگانی سیاسی امام حسین (علیه السلام) را نقل کرده است.

۱-۳. پیشینه پژوهش

تحقیقات اندکی از منظر تحلیل گفتمان به ادبیات امام حسین (علیه السلام) پرداخته‌اند. قلی‌پور و همکاران (۱۴۰۱) در مقاله شکل‌گیری گفتمان سیاسی از واقعه عاشورا در دوران معاصر ایران تا دوره انقلاب اسلامی با تأکید بر اندیشه‌های امام خمینی (ره)، دو گفتمان سنتی و گفتمان سیاسی را در مواجهه با واقعه عاشورا متمایز کرده‌اند. گفتمان سنتی با تأکید بر جنبه‌های عاطفی و احساسی وقایع کربلا به تأثیرات فردی آن توجه دارد و گفتمان سیاسی ضمن بهره‌گیری از عناصر عاطفی، عمدتاً توجه خود را به برداشت‌های سیاسی و تأثیرات اجتماعی آن معطوف می‌دارد و کارویژه‌های انقلابی را در درون آن می‌جوید. حمیدی فشکی فراهانی (۱۳۹۲) در پایان نامه تحلیل گفتمان سخنان امام حسین (علیه السلام) از مدینه تا کربلا با بهره‌گیری از سوبیه‌های مختلف تحلیل گفتمان به این نتیجه رسیده که ایدئولوژی و اندیشه امام حسین (علیه السلام) از زمانی که برای بیعت اجباری به نزد استاندار مدینه فراخوانده شد، تا لحظه‌ای که به شهادت رسید؛ هرگز تغییر نکرد و همواره بر یک اصل استوار بود: نامشروع بودن حکومت بنی امیه و بیعت نکردن با یزید و قیام علیه آن. این مقاله اگرچه قرابت‌هایی با این پایان‌نامه دارد اما صرفاً بخشی از اهداف امام را در تحلیل خود دنبال کرده است، ولی تمرکز نوشتار حاضر بر استراتژی‌های گفتمانی ون دایک است و بر متن

خطبه‌ها و نامه‌های امام متمرکز است و می‌کوشد مضامین و معانی سیاسی گفتمان امام حسین (علیه السلام) را واکاوی کند. بارانی و پاکروان (۱۳۹۸) در مقاله «تحلیل سخنان امام حسین (علیه السلام) از مدینه تا مکه بر پایه کنش‌های گفتاری جان سرل در پنج گروه اظهاری، ترغیبی، عاطفی، تعهدی و اعلامی به تحلیل سخنان امام حسین (علیه السلام) در گام آغازین جریان عاشورا از مدینه تا مکه می‌پردازند. در مقاله دیگری محمد احمد علی الفواد (۲۰۲۵) با عنوان گفتمان سیاسی امام حسین بین حُسن تعبیر و بدفهمی به بررسی سخنان امام حسین در روز عاشورا در مواجهه با سپاه عمر سعد پرداخته است. وی معتقد است حُسن تعبیرها در هر زبانی در درجه اول از طریق سه صنعت بیان ساخته می‌شوند: مجاز، استعاره و اطناب کلام. محقق نتیجه گرفته است با وجود کسب نشدن پیروزی نظامی، امام حسین (علیه السلام) با شور و شوق از آزادی، عدالت و کرامت حمایت کرد و ارزش‌های انسانی را از طریق زبانی که در طول تاریخ طنین‌انداز خواهد شد، ترویج داد. یافته‌های مقاله وی نشان می‌دهد که امام حسین (علیه السلام) برای بیان این ایده‌ها از زبان حُسن تعبیر استفاده کرده است. گفتمان او به مضامین مهمی مانند جست‌وجوی آزادی و عدالت، مبارزه با رذایل و پلیدی‌ها می‌پردازد. در مقابل، جناح‌های مخالف برای ابراز احساسات نفرت، خشم و بی‌احترامی خود به زبان تحقیرآمیز، از جمله توهین، ناسزا و فحاشی متوسل می‌شدند. آن‌ها این کار را به شیوه‌ای انجام می‌دادند که تصویر مثبت یکدیگر و مخاطبان‌شان را هدف قرار می‌داد و در بیان احساسات خود خویشتن‌داری کمی نشان می‌دادند. این مقاله نیز صرفاً بر مقوله حُسن تعبیر که یکی از راهبردهای گفتمانی ون دایک بوده، محدود شده است. زاجکانی و تقوی (۱۴۰۳) در مقاله تحلیل گفتمان نامه‌های امام حسین (علیه السلام) به کوفیان در جریان واقعه عاشورا نشان داده‌اند که امام کوشید ضمن تقویت مشروعیت و هدایت دینی، گفتمان یزید را که مبتنی بر ظلم و فساد است به چالش بکشد و گفتمانی مبتنی بر مشروعیت دینی و اطاعت از خداوند را ترویج کند. این مقاله هم با وجود هم‌راستایی با مقاله حاضر صرفاً بر نامه‌های امام حسین (علیه السلام) به کوفیان که بخش اندکی از کنش گفتاری حضرت را پوشش می‌دهد، تمرکز دارد و کلیت آثار کلامی و سخنان و نوشته‌های امام را مستند تحلیل خود قرار نداده است.

در مجموع می‌توان گفت تحقیقات پیشین غالباً با رویکرد تاریخی و منحصر به بخشی از سخنان یا نوشته‌های امام در طول دوره تاریخی از مدینه تا کربلا نگارش شده و گاه برش‌هایی از تحلیل گفتمان را در این نوشته‌ها اجرا کرده‌اند؛ حال آنکه نوآوری مقاله حاضر این است که با رویکرد سیاسی مبتنی بر متن همه سخنان و نامه‌های امام از مدینه تا لحظه شهادت در کربلا به درک و فهم گفتمان سیاسی امام حسین (علیه السلام) پرداخته است.

۲. نظریه و روش: تحلیل گفتمان

تحلیل‌های گفتمانی در مطالعات اسلامی طی سالیان اخیر رواج بسیاری یافته است. اگرچه درباره به کارگیری روش‌های تحلیل گفتمان دیدگاه واحدی وجود ندارد و برخی پژوهشگران بر وجوه سازگار و ناسازگار آن با اندیشه اسلامی پرداخته‌اند (بهر روزی لک، ۱۳۸۸: ۵۳۹-۵۸۱) به باور نگارنده آنچه در انواع مختلف تحلیل‌های گفتمانی قابل بهره‌گیری است و بسیاری از محدودیت‌های متصور در این روش را ندارد، تمرکز بر زبان و متن، واژگان و فضای حاکم بر روابط واژگان است. ظرفیت‌های تحلیل گفتمان ون دایک در شناخت زوایای گفتمان امام حسین (علیه السلام) به خصوص تمرکز بر متن و سخنان ایشان از آن رو مرجح است و پیشینه تحقیقات نیز همین را نشان می‌دهد که حضرت با کنش‌گفتاری و سخنان و خطبه‌ها و نامه‌ها به منزله بخش مهمی از قیام خود به مبارزه با ساخت قدرت نامشروع اموی مستقر پرداخت و روش تحلیل گفتمان ون دایک قابلیت و ظرفیت شناساندن ابعاد معنایی و قابلیت‌های بیانی و بلاغی را دارد.

«گفتمان، جزء یا قطعه گسترش یافته متن است که واجد شکلی از سازمان درونی، یکپارچگی یا انسجام است» (میلز، ۱۳۸۲: ۱۷). «بافتی که پاره‌گفتارهای خاص در بستر آن به وقوع می‌پیوندد، گفتمان را تعریف می‌کند (گفتمان مذهبی، گفتمان تبلیغات). این بافت‌ها یا زمینه‌های تولید متون، شاکله‌های درونی متون خاص تولید شده را تعیین خواهد کرد» (تاجیک، ۱۳۸۷: ۸۴).

گفتمان، چهارچوب و نظام معرفتی است که از طریق زبان عمل می‌شود. گفتمان ترکیب

دانش و قدرت است.

به واقع، تحلیل گفتمان (به‌ویژه تحلیل گفتمان انتقادی) زبان را علمی اجتماعی قلمداد می‌کند که با ایدئولوژی، تاریخ و قدرت، چه در سطح نوشتاری و چه در سطح گفتاری در ارتباط است؛ بنابراین با تحلیل و جست‌وجو در لایه‌های پنهان و آشکار زبان به کاررفته در متون نوشتاری یا گفتاری می‌توان به ایدئولوژی نویسندگان و گویندگان نزدیک شد (طاهرزاده و همکاران، ۱۳۹۸: ۵۳).

یکی از رویکردهای گفتمانی که به تحلیل رخدادهای اجتماعی سیاسی می‌پردازد، تحلیل انتقادی گفتمان است. بنیاد تحلیل انتقادی گفتمان را می‌توان در زبان‌شناسی انتقادی یافت (آقاگل‌زاده، ۱۳۸۵: ۱۴۷).

در تحلیل گفتمان انتقادی، فرایندها و ساختارهای اجتماعی و فرهنگی تا حدودی خصلت زبانی و گفتمانی دارند. دوم گفتمان هم‌سازنده است هم‌ساخته شده. سوم اینکه کاربرد زبان باید به نحو تجربی و درون‌بستر اجتماعی خودش تحلیل شود (یورگنسن و فیلیپس، ۱۳۸۹: ۱۱۵-۱۱۰).

یکی از چهره‌های اصلی رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی ون دایک است. او گفتمان را در معنای عام، یک رویداد ارتباطی در نظر می‌گیرد مانند تعامل محاوره‌ای، متن نوشتاری، تصاویر و جنبه‌های نشانه‌شناختی و چندرسانه‌ای دیگر مرتبط با دلالت معنایی (سلطانی، ۱۳۸۴: ۵۸).

ون دایک، ایدئولوژی را بحثی بنیادی در رابطه بین گفتمان و جامعه می‌داند و امکان طراحی ایدئولوژی مقاومت را در میان گروه‌های جامعه، نادیده نمی‌گیرد (تاجیک، ۱۳۸۷: ۸۹). به نظر وی طراحی الگویی برای چهار چوب نظری، مستلزم توجه به رابطه سه‌گانه بافت، شناخت و گفتمان است. گفتمان پدیده‌ای است که سه جنبه اصلی دارد؛ یعنی «کاربرد زبان»، «شناخت» و «تعامل در بافت‌های اجتماعی فرهنگی» (ون دایک، ۱۳۸۷: ۴۸).

مسیر نظری که در آثار ون دایک از ایدئولوژی به گفتمان می‌رسد این‌گونه شکل گرفته است که معانی گفتمانی، از مجموعه‌ای از الگوهای ذهنی منتج می‌شوند که به وسیله الگوهای زمینه‌ای کنترل می‌شوند. این الگوها در برگیرنده نظرات شخصی و نظرات اجتماعی درباره رویدادها هستند. در کل، چنین نظامی از ایدئولوژی‌ها، بازنمایی‌های ذهنی هستند که به شکل طرح‌واره‌ها، ابعاد اصلی حوزه اجتماعی گروه (هویت، کنش‌ها، اهداف، موقعیت‌ها، ارزش‌ها و منابع) را طبقه‌بندی می‌کنند و به گزینش‌های منفعت‌گرایانه از ارزش‌هایی دست می‌زنند که پایه و اساس ارزیابی کنش‌های اجتماعی اعضای گروه است. معانی به اشکال مختلف در ساختارهای سطحی متون بیان می‌شود (ون دایک، ۱۹۹۸: ۴۵)؛ بنابراین بسیاری از ساختارهای معنایی و عقاید ضمنی آن‌ها از بررسی ساختارهای سطحی پدیدار می‌شوند. بدین ترتیب تحلیل گفتمان ون دایک می‌تواند از رهگذر درک زبان و راهبردهای گفتمانی حاکم بر سخنان و نامه‌های امام حسین (علیه السلام) ما را به ایدئولوژی و گفتمان ایشان که در مغایرت با ایدئولوژی و گفتمان اموی است، رهنمون شود. از آنجا که معانی گفتمانی مندرج در این سخنان و نوشته‌ها، از الگوهای ذهنی امام به خصوص اهداف و انگیزه‌های امام و هویت و ارزش‌های امام ناشی می‌شود در این مقاله ابتدا این الگوهای ذهنی و به خصوص اهداف قیام امام بررسی می‌شود و تحقق این الگوهای ذهنی در کنش گفتاری و گفتمان بیانی امام در خطبه‌ها با بهره‌گیری از راهبردها و ساختار متون و روش‌های تجزیه و تحلیل متن و سخنان امام حسین (علیه السلام) تحلیل می‌شود.

۲-۱. روش تجزیه و تحلیل اطلاعات

یکی از مراحل اساسی در تحلیل گفتمان انتقادی، عملیاتی کردن مباحث نظری یا به عبارتی، تعیین متغیرها برای تحلیل متن و گفتمان است. مسئله اصلی در اینجا این است که تحلیل گفتمان انتقادی چگونه ادعاهای نظری خود را به ابزارها و روش‌های تحلیلی مبدل می‌سازد. به طور خاص، میانجی‌گری میان نظریه‌ها و مفاهیم کلان و موارد و مصادیق ملموس و عینی که هسته و کانون تحلیل در تحلیل گفتمان انتقادی را تشکیل

می‌دهند مورد تأکید است. راهبردهای مورد استفاده وی در تحلیل گفتمان انتقادی و متون رسانه‌ای برای تحلیل به کار گرفته می‌شود که عبارتند از: واژگان، استعاره، حسن تعبیر؛ نقل قول، دوقطبی‌سازی؛ چشم‌انداز (منظر)، انسجام کلی.

۲-۲. تعریف راهبردها

۱. **واژگان**^۱: واژگان نقش بسیار مهمی در گفتمان دارند. واژگانی که یک گوینده یا نویسنده به کار می‌برد دقیقاً با قدرت، موقعیت سیاسی، اجتماعی و اخلاقی او یا به عبارت دقیق‌تر با وزن اجتماعی او سنجیده می‌شود. اینکه فرد چه واژه یا کلمه‌ای را برای بیان مقصود خود برگزیند، تا حدود بسیار زیادی به موقعیت شخصی، اجتماعی و سیاسی او بستگی دارد. از آنجا که بسیاری از این موقعیت، ایدئولوژی بنیاد است، تجلی واژه‌ها در گفتار و نوشتار، دیدگاه و عقاید وی را در خصوص موضوع مورد بحث نشان می‌دهد (Van Dijk, 1998: 31). واژگان انتخاب شده بیان کننده ارزش‌ها و معیارها هستند و برای قضاوت ارزشی استفاده می‌شوند.

۲. **دوقطبی‌سازی**: به باور ون دایک (Van Dijk, 2004) دوقطبی‌سازی یکی از راهبردهای مهم ایدئولوژیک است که گوینده / نویسنده با به کارگیری آن تلاش می‌کند از واژه‌ها و عباراتی استفاده کند که دو قطب و جبهه مخالف را برای خوانندگان به تصویر بکشد.

۳. **حسن تعبیر**: حسن تعبیر به بیان مودبانه و اخلاقی سخن اشاره دارد. تعبیرها در هر زبانی در درجه اول از طریق سه صنعت بیان ساخته می‌شوند: مجاز، استعاره و اطناب کلام. بهره‌گیری از ادبیات فاخر و متقن و در مقابل آن، تخفیف قرار دارد که توصیف دشمن بر اساس برجسته‌سازی نقاط ضعف و حقارت‌های دشمن است.

۴. **نقل قول**^۲: نقل نوشتار یا گفتار شخص حقیقی یا حقوقی به صورت مستقیم یا غیرمستقیم برای مستند ساختن متن و مجاب ساختن مخاطب است.

1. Lexical items
2. Quoting

۵. چشم‌انداز (منظر): هر متنی از چشم‌انداز و منظری خاص سخن می‌گوید؛ چشم‌اندازهایی مانند حق، مومن و ... در متن می‌توان دریافت که نویسنده از چه منظر و موضعی به قضایا می‌نگرد.

۶. استعاره^۱: استعاره یکی از راه‌های انتقال معناست. در استعاره، رابطه میان چیزها از راه قیاس مطرح می‌شود. یکی از رایج‌ترین صور استعاره، تشبیه است که در آن مقایسه‌ای مطرح می‌شود و از شباهت سخن به میان می‌آید.

۷. انسجام کلی و ساختاری: خط سیر مباحث و مسیری که نویسنده از مقدمه به نتیجه می‌رسد، نیازمند انسجام است. از لحاظ نظری، سرفصل‌ها حکم کلان، گزاره‌های معنایی را دارند که به متن انسجام می‌دهند و خط سیر مباحث را نظم می‌بخشند.

۳. تحلیل گفتمان سیاسی امام حسین (علیه السلام)

۳-۱. اهداف و انگیزه‌های قیام: الگوهای ذهنی خالق گفتمان

همچنان که گذشت مسیر نظری که در آثار ون دایک از ایدئولوژی به گفتمان می‌رسد، این‌گونه شکل گرفته است که معانی گفتمانی از مجموعه‌ای از الگوهای ذهنی منتج می‌شوند. پایه این الگوهای ذهنی اهداف و ارزش‌های شخصیت‌ها و افراد است. در اینجا امام حسین (علیه السلام) ایدئولوژی مقاومت خود را با طرح اهداف قیام خود بیان می‌کند و در نقش سوژه سیاسی به معنادهی به گفتمان خود پردازند. الگوهای ذهنی که بیش از هر چیز ریشه در انگیزه‌ها و اهداف خالق گفتمان دارد.

در باره اهداف و فلسفه قیام امام نظرات مختلفی اظهار شده است. به نوعی می‌توان رهبری و مدیریت امام حسین (علیه السلام) را مدیریت و رهبری بر مبنای هدف و نتیجه دانست. هدف از قیام، اصلاح مفاسد امت، احیا و زنده کردن سنت و قانون رسول خدا ﷺ و راه و رسم علی بن ابیطالب (علیه السلام) بوده است. پس این قیام برای نگهداری دین و تکلیف بوده

1. Metaphore

است؛ چراکه امام به خودش تعلق ندارد، بلکه بیش از هر چیز به اصول و ارزش‌های دین اسلام تعلق دارد (رحمتی و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۳۲). در بین عاشورا پژوهان شش نظریه درباره اهداف قیام امام و فلسفه قیام سالار شهیدان ارائه شده است (ر.ک: پیشوایی، ۱۳۸۹، ج ۱: ۲۴۹-۲۸۷): نظریه نخست برداشت دنیاگرایانه از قیام است. اینکه امام برای ریاست و قدرت قیام کرد! که نادرستی آن معلوم است. دیدگاه دیگر امام حسین (علیه السلام) را در قامت مسیح مصلوب، فدایی امت می‌نامند تا با شهادت خود، کفاره گناه مردم باشد. افرادی مثل سروش اصفهانی چنین نظری داشتند؛ اما یکی از نظرات مطرح شده که میان عاشورا پژوهان محل بحث و نقد و نظر شده دیدگاه صالحی نجف‌آبادی در کتاب شهید جاوید است: ایشان معتقد است قیام امام از ابتدا برای حکومت بوده است و اصلاح امت را بدون به دست گرفتن حکومت، نشدنی می‌دانستند. به باور وی حرکت امام حسین (علیه السلام) حتی از نظر سنت‌های عقلی و قوانین حقوقی و اجتماعی هم حرکتی عاقلانه و ضروری و غیرقابل اجتناب بوده است. بدون تردید، هدف قیام امام حسین (علیه السلام) اصلاح امت بوده است. همچنان که فرمودند «خَرَجْتُ لِطَلَبِ الْإِصْلَاحِ فِي أُمَّةٍ جَدِي»، اما این مقصود جز با تشکیل حکومت، شدنی نبود. شرایط تشکیل حکومت هم موجود بود (صالحی نجف‌آبادی، ۱۳۴۹: ۳۴۵). دیدگاه دوم با تحلیلی از سخنان و بیان امام، رویکردی عارفانه و صوفیانه در تحلیل قیام دارند. به خصوص شهادت امام در این تحلیل برجسته است که به نوعی اوج فنا فی الله شدن است. در این تحلیل، دوگانه حق و باطل جای خود را به دوگانه عقل و عشق می‌دهد که در این بین امام عاشقانه به سوی شهادت رفت. برخی شعرا مثل عمان سامانی و صوفیانی مثل صفی‌علیشاه در این گروه قرار می‌گیرند. سید ابن طاووس هم چنین نظری دارند. به نظر قائلین این دیدگاه، مقام شهادت بزرگ‌ترین مقام قرب الاهی است و در سخنان امام هم هست که در عالم رویا پیامبر ﷺ به ایشان بیان کردند که «ان الله شاء ان يراك قتيلا». مرحوم آیت الله صافی گلپایگانی هم در کتاب «حسین (علیه السلام) شهید آگاه، رهبر نجات‌بخش اسلام» منتقد دیدگاه صالحی نجف‌آبادی است و شهادت را مطلوب و خواسته خدا می‌داند و معتقد است در درجه دوم امام برای ادای تکلیف قیام کردند (صافی گلپایگانی: ۳۴-۳۵). با اینکه

حکومت، مهم بوده اما هدف امام نبوده است. امام پیروزی نظامی و حکومت را پیش بینی نمی فرمود (همان: ۴۷). نظریه دیگر که به دیدگاه آیت الله صافی نزدیک تر است قیام را از منظر تکلیف محوری، تحلیل می کند. به نوعی معتقدان به این نظریه، امام را مأمور به تکلیف و نه نتیجه می دانند؛ امام، فرمان خدا را عمل کرده است. عصمت امام، اقتضای چنین اقدامی خطیری است. علامه طباطبایی و صاحب جواهر، چنین نظری داشتند. منتقدان این نظر، قیام بر ضد ظلم را تکلیفی همگانی و نه فردی تفسیر می کنند و معتقدند این نظریه نمی تواند همه ابعاد اهداف و فلسفه قیام امام را تحلیل کند.

در جمع بندی این نظریات شاید بتوان گفت همه اهداف ذکر شده در علل و اهداف طولی قیام، قابل جمع خواهد بود. شاید نتایج تحقیق رحمتی و دیگران (۱۳۹۵: ۱۳۹-۱۴۰) مؤید این جمع بندی است. بر پایه این تحقیق اصول رهبری امام اولاً خدامحوری است: امام خود را حجت خدا می داند و البته همه مدعیان خلافت پیامبر ﷺ را هم همچنان که بارها تصریح کردند؛ ناشایست و نابکار می دانست. دوم؛ ظلم ستیزی شامل سیاست تهاجمی، غیرت، شجاعت و دفاع از حق محرومان است؛ افزون بر این رشد و ارشاد (هدایت)؛ عقل گرایی، تکلیف محوری؛ احکام محوری؛ بصیرت محوری؛ اخلاق مداری، دیگر اصول رهبری امام را تشکیل می دهد. سخن امام در خطبه منا روشن تر از هر بحثی هدف قیام امام را روشن کرده است. چنان که در انتهای خطبه هدف از حرکت تاریخی خود را نه قدرت طلبی یا ثروت اندوزی که اصلاح در دین پیامبر ﷺ معرفی می کند:

«خدا یا! بی شک تو می دانی آنچه از ما سرزده (یعنی مبارزه ای که اخیراً بر ضد دستگاه حاکمه اموی پیش گرفته ایم) رقابت در به دست آوردن قدرت سیاسی نبوده و نه جست و جوی ثروت و نعمت های زائد، بلکه برای این بوده که اصول و ارزش های درخشان دینت را بنماییم و ارائه دهیم و در کشورت اصلاحات پدید آوریم و بندگان ستم زده ات را ایمن و برخوردار از حقوق مسلم شان گردانیم و نیز تا به وظایفی که مقرر داشته ای و به سخن و قوانین و احکامت عمل شود.» این اهداف و الگوهای ذهنی امام که در بین محققان، ابعاد آن مشخص شد در سخنان و نامه های امام از مدینه تا کربلا دنبال شده و گفتمان سیاسی امام را شکل می دهد.

۲-۳. راهبردهای گفتمان امام حسین (علیه السلام)

۱-۲-۳. دوقطبی‌سازی

زندگانی سیاسی امام و سخنان و بیانات ایشان مورد مناسبی برای شناخت گفتمان سیاسی در وجه دوقطبی حق و باطل است. گفتمان امام بیش از همه از راه مقابله و غیریت‌سازی نسبت به گفتمان معاویه و یزید، شناخته می‌شود. معاویه اولین حاکمی بود در تاریخ اسلام که در زمان خلافتش برای ولایت‌عهدی فرزندش بیعت گرفت (مسعودی، ج ۳: ۳۷) و بیعت گرفتن برای ولایت‌عهدی یزید در سال ۵۵ هجری بود (طبری، ۱۴۲۸ق، ج ۴: ۵۵). وی سعی کرد این کار را در مکه انجام دهد تا بتواند با بزرگان مکه برای یزید بیعت کند. وی در زمان حیاتش نیز چند بار از امام خواست با یزید به‌عنوان ولی عهد بیعت بگیرد، اما موفق نشد. امام در نامه‌ای ملامت‌آمیز به معاویه نوشت: «تو مگر قاتل بزرگانی مثل حجر ابن عدی نیستی؟ آیا تو زیاد ابن ابیه آدمکش را بر مردم مسلط نکردی؟ من تو را بزرگ‌ترین فتنه می‌بینم و چیزی بهتر از جنگ با تو نمی‌بینم» (عالمی دامغانی ۱۳۷۶: ۳۹-۴۳). وقتی حاکم مدینه از ایشان خواست با یزید بیعت کند، فرمود مثل منی با یزید بیعت نمی‌کند. به گواه تاریخ، فسق و ظلم یزید بی سابقه بوده است. مسعودی در مروج الذهب حتی وی را ظالم‌تر از فرعون می‌داند و قتل امام حسین در کربلا و هتک حرمت کعبه و لعن امام علی (علیه السلام) و کشتن بیش از ۴۰۰۰ تن از مردم و بزرگان قریش و اسلام را در مدینه در واقعه حره در کنار شرب خمر و تجاهر به فسق تقبیح می‌کند (مسعودی، ج ۳: ۷۹-۸۱). شاید بتوان گفت آغاز این حرکت تاریخی از خطبه امام در مناسبت که در جریان اعمال حج چند سال قبل از عاشورا و در دوران حیات سیاسی معاویه ایراد شد. اگرچه امام بر اساس معاهده صلح امام حسن (علیه السلام) با معاویه از قیام بر ضد معاویه خودداری کرد و با وجود اصرار برخی شیعیان مبنی بر قیام، امام حسین (علیه السلام) فرمود نظر من این است که تا زمانی که معاویه زنده است، هیچ اقدامی نکنید (امیری دوماری و املوی، ۱۴۰۳)؛ اما این امر به معنای وانهادن امور و عاقبت‌طلبی نبود، چنان‌که در خطبه منا بعد از بیان سیری از تحولات و انحرافات صورت گرفته در جامعه اسلامی بعد از پیامبر (صلی الله علیه و آله) به زمانه حکومت معاویه پرداخته و از حکومت به دلیل مظالم و انحرافات حکومت اموی انتقاد کردند.

امام حسین (علیه السلام) در طول جنبش خود کوشید دو دیدگاه اصلی را که منعکس کننده پیامدهای گسترده‌تر این مبارزه است، بیان کند. دیدگاه اول به‌وضوح از طریق اعمال امام حسین (علیه السلام) بیان می‌شود و موضع ضد یزیدی را در برابر رژیم‌ی که با فساد، تباهی، سرکوب و خفقان مشخص می‌شود، مجسم می‌کند. نبرد اصلی او بر ضد جهل، انحطاط، انحراف و تحقیر بشریت متمرکز است. امام حسین (علیه السلام) بدون شک علیه این رذایل مبارزه کرد (Al Fuadi, 2025 : 263). البته قیام امام واکنشی به اجبار یزید برای بیعت فوری هم بود. خروج امام از مدینه هم تنها گزینه پیش روی امام بعد از ضرب الاجل حاکم مدینه بود. البته یزید بر اساس وصیت معاویه در گرفتن بیعت چهار نفر تعجیل داشت. معاویه وصیت کرده بود «فرزندم من برای امر حکومتی که برای تو تاسیس کردم تو جز بر منازعه چهار تن بیم ندارم: حسین بن علی؛ عبدالله بن عمر و عبیدالله بن زبیر و عبدالرحمن بن ابی بکر» (ابن کثیر، ۱۴۰۷ ق: ۱۱۵). البته هیچ کدام از این افراد تا مرگ معاویه با یزید بیعت نکردند (ابن کثیر، ۱۴۰۷ ق: ۱۵۱).

بنابر این رد بیعت با شخصیت باطلی مانند یزید یکی از برجسته‌ترین راهبردهای گفتمان امام برای شناساندن گفتمان سیاسی ایشان است؛ دوگانه حق و باطل؛ خاندان رسالت و آل ابی سفیان؛ اهل بیت (علیهم السلام) و مؤمنان حقیقی در برابر طاغوتیان و یاران ستم. امام از طریق تمایزگذاری‌های زبانی، هویت جمعی امت را بازسازی کرده و با گفتمان قدرت اموی، تضاد معنایی ایجاد می‌کند. این استراتژی، مخاطبان را وادار به انتخاب موضع می‌کند. در گفتار باوالی مدینه، می‌فرماید: «وَيَزِيدُ رَجُلٌ شَارِبُ الْخَمْرِ... وَمِثْلِي لَا يُبَاعُ مِثْلَهُ». این ساختار نحوی و تقابلی «مثل من» و «مثل او» عالی‌ترین نماد دوگانگی در گفتمان حق طلبی است که استراتژی اصلی مقاومت را می‌سازد. امام در مقام «فاعل گفتمان حق»، مشروعیت خویش را بر خاستگاه نبوت بنا کرده و گفتمان اموی را در جایگاه ضدارزش قرار می‌دهد. این قطب‌بندی نه صرفاً اخلاقی، بلکه سیاسی ایدئولوژیک است. امام در ادامه، می‌فرماید امت اسلامی مبتلا به رهبری همانند یزید شده است؛ این جمله جامعه را میان دو گفتمان الهی و فاسد تفکیک می‌کند. دوقطبی‌سازی در واقع سطح شناختی و اجتماعی گفتمان را تعیین می‌کند و موجب بازتولید هویت جمعی بر محور «جبهه حق» می‌شود.

روایت امام از جبهه باطل	روایت امام از خودشان و جبهه حق
<p>وَعَلَى الْأَسْلَامِ السَّلَامُ إِذَا بُلِّغْتَ الْأُمَّةُ بِرَاعٍ مِثْلِ يَزِيدَ . خطاب به سپاه عمر سعد : - همه شما عصیان و سرکشی نموده و با دستور من مخالفت می کنید که به گفتارم گوش فرانمی دهید. - شما از سرکشان امت و از تهماندگان احزاب فاسد هستید که قرآن را پشت سر انداخته‌اید، از دماغ شیطان در افتاده‌اید، از گروه جنایتکاران و تحریف کنندگان کتاب و خاموش کنندگان سنن می باشید که فرزندان پیامبران را می کشید، - آتش فتنه‌ای را که دشمن مشترک برافروخته بود، علیه ما شعله‌ور ساختید، به حمایت و پشتیبانی دشمنانتان و علیه پیشوایانتان به پا خاستید. - شما از لاحق کنندگان زنازادگان به نسب و ادیت کنندگان مؤمنان و فریادرس پیشوای استهزاگران می باشید که قرآن را مورد استهزا و مسخره خویش قرار می دهند. - خذل و غدر از صفات بارز شماست. - به خدا سوگند که همان پیمان شکنان هستید!</p>	<p>انتساب امام به اهل بیت امام (علیه السلام) به مروان فرمود: «ما اهل بیت پاکي هستيم که خداوند این آیه را در شان ما فرستاده است»: انما يريد الله ليذهب عنكم الرجس اهل البيت و يتطهركم تطهيرا؛ همانا خداوند می خواهد پلیدی را از شما اهل بیت بزاید و شما را پاک و پاکیزه گرداند. - در کربلا به سپاه عمر سعد: آیا در این واقعیت نیز شک می کنید که من پسر دختر پیامبر شما هستم و در همه دنیا و در میان شما و دیگران پیامبر خدا فرزندی جز من ندارد؟</p>
<p>يَا شَيْعَةَ آلِ أَبِي سُفْيَانَ إِنَّ لِمَنْ يَكُنْ لَكُمْ دِينًا وَكُنْتُمْ لَا تَخَافُونَ الْعَمَادَ فَكُونُوا أحراراً في دُنْيَاكُمْ</p>	<p>اللَّهُمَّ إِنِّي أَعْتَمِدُكَ عَلَى أَنْ أَكْرَمْتَنَا بِالْبُؤُوءِ وَعَلَّمْتَنَا الْقُرْآنَ وَفَقَّهْتَنَا فِي الدِّينِ وَجَعَلْتَ لَنَا أَسْمَاعاً وَأَبْصَاراً وَأَفْنِدَةً وَلَمْ تَجْعَلْنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ</p>
<p>در منزل بیضه : وَأَحْلُوا حَرَامَ اللَّهِ وَحَرِّمُوا حَلَالَهُ؛ آگاه باشید اینان (بنی امیه) اطاعت خدا را ترک و پیروی از شیطان را بر خود فرض نموده‌اند. فساد را ترویج و حدود الهی را تعطیل نموده، فیء را (که مختص به خاندان پیامبر است) به خود اختصاص داده‌اند. حلال و حرام و اوامر و نواهی خداوند را تغییر داده‌اند. غضب الهی بر قوم دیگری آن گاه شدیدتر شد که بر کشتن پسر دختر پیامبرشان متحد و هماهنگ گردیدند.</p>	<p>در نامه به اهل بصره به جان خودم سوگند! پیشوای راستین و امام به حق کسی است که به کتاب خدا عمل نموده و راه قسط و عدل را پیشه خود سازد و از حق پیروی کرده و خود خویش را وقف و فدای فرمان خدا کند نفاق در میان مسلمانان</p>

این فرومایه (ابن زیاد) و فرزند فرومایه، مرا در بین دوراهی شمشیر و ذلت قرار داده است.	و هیئات که ما به زیر بار ذلت برویم؛ زیرا خدا و پیامبرش و مؤمنان از اینکه ما ذلت را بپذیریم ابا دارند.
--	---

جدول ۱: مستندات راهبرد دوقطبی در سخنان و نامه‌های امام حسین (علیه السلام) (منبع: موسوعه کلمات

الامام الحسین (علیه السلام))

۳-۲-۲. راهبرد واژگانی

در گفتار امام حسین (علیه السلام) واژگان با بار ارزشی و ایدئولوژیک بالا به کار گرفته شده‌اند. امام خطاب به والی مدینه از ترکیباتی بهره می‌گیرد چون: «إِنَّا أَهْلُ بَيْتِ النَّبِوَّةِ»، «مَعْدَنُ الرِّسَالَةِ» که به لحاظ زبانی جایگاه معنوی و مشروعیت الهی خاندان خود را تثبیت می‌کند. واژه‌هایی چون «شراب‌خوار»، «قاتل النفس المحترمة» و «فاسق» در توصیف یزید نه تنها وضع اخلاقی او را نشان می‌دهند، بلکه از دید تحلیل گفتمان به مثابه ابزار تخریب مشروعیت سیاسی و دینی مخالف عمل می‌کنند. این واژگان به صورت شبکه‌ای دلالتی در تقابل با اهل بیت (علیهم السلام) به کار می‌روند و قدرت نمادین گفتمان امام را شکل می‌دهند.

در سطح واژگانی، متن گفتمان امام مبتنی بر دلالت‌های ارزشی، هویتی و مذهبی است. واژگان «حق»، «خلافة»، «فسق»، «امر به معروف» و «پناهگاه» نقش هسته‌ای در بازتولید هویت معنوی معترض دارند. این انتخاب واژگان نه انفاقی بلکه آگاهانه در خدمت مقاومت زبانی در برابر گفتمان قدرت اموی است و همزمان حافظ ارزش‌های الهی و معنوی امت اسلامی است. همچنان که در راهبرد نقل قول نیز بدان تاکید خواهد شد واژگان امام حسین (علیه السلام) از «زبان وحی» و سنت پیامبر تأثیر می‌گیرد و منجر به گفتمان اخلاقی مقاومت می‌شود این گفتمان اخلاقی البته به گفتمان مبارزه و جهاد ارتقا پیدا می‌کند. واژه و مفهوم کانونی امام در مدینه «نفی بیعت با یزید» به دلیل ویژگی‌های شخصی و انحراف جدی وی از سنت پیامبر ﷺ است و البته در وصیت‌نامه خود هم به هدف قیام اشاره

می‌کند. واژه مرکزی در مکه «شهادت» است (حمیدی فشکی فراهانی، ۱۳۹۲: ۲۱۹-۲۲۰) و بارها از آن یاد می‌کند و برای اینکه در مکه به شهادت نرسند و هدف از قیام، منحرف نشود به سمت عراق عزیمت می‌کنند. واژگان پرتکرار در کربلا معرفی خود و افشای چهره سپاه عمر سعد و نیز واژگان حماسی و عارفانه است. لذا می‌توان گفت هر چه امام به شهادت نزدیک‌تر می‌شوند کلمات ایشان عارفانه‌تر و در عین حال چون صحنه نبرد نظامی است؛ سلاح بیان به یاری سلاح رزمی می‌آید، اما این همراهی حتی در لحظه آخر هم قطع نمی‌شود و حتی در لحظات آخر هم مهاجمان را نصیحت می‌کنند که به حرم من حمله نکنید.

امام از طریق انتخاب واژگان مثبت برای خود و یارانش و واژگان منفی برای دشمن در جهت هویت‌بخشی و تثبیت آن بهره می‌گیرند. دایره واژگانی مورد استفاده امام حول سه حوزه قابل دسته‌بندی است معرفی خود، معرفی جبهه و نظام حاکم به خصوص شخص یزید و مردم کوفه و وضعیت اسفبار مسلمانان، رسالت خود و شهادت. به بیانی دیگر واژگان مورد استفاده امام به‌عنوان حجت خدا بر روی زمین چهار دسته را شامل می‌شود: واژگانی قرآنی یا دعا و نفرین دشمنان؛ واژگانی که به معرفی خود و اهداف قیام برمی‌گردد واژگانی که برای هدایت امت از بحران و فساد در جامعه اسلامی است هشدار می‌دهد و واژگانی که به نوعی حماسه‌سرایی یا مرثیه‌سرایی در غم از دست دادن یاران و همراهان قیام را بازنمایی می‌کند.

وقتی ام سلمه همسر پیامبر صلی الله علیه و آله در مدینه، خیر خواهانه در صدد بازداشتن ایشان از حرکت و قیام می‌شود، چنین پاسخ می‌دهند: «مادر! (فکر نکن که از این جریان تنها تو مطلع هستی) خود من نیز بهتر از تو می‌دانم که از راه ظلم و ستم و از راه عداوت و دشمنی کشته خواهم شد و سرم از تنم جدا خواهد گردید و خداوند بزرگ چنین خواسته است که حرم و اهل بیت من آواره و فرزندانم شهید و به زنجیر اسارت کشیده شوند و صدای استغاثه آنان طنین انداز گردد ولی کمک و فریادرسی پیدا نکنند.»

امام در وصیت‌نامه‌اش پس از بیان عقیده خویش درباره توحید و نبوت و معاد، هدف خود را از این سفر این چنین بیان کرد:

«و من نه از روی خودخواهی یا برای خوشگذرانی و نه برای فساد و ستمگری از مدینه خارج می‌گردم، بلکه هدف من از این سفر امر به معروف و نهی از منکر و خواست‌ام از این حرکت، اصلاح مفاسد امت و احیا و زنده کردن سنت و قانون جدم رسول خدا ﷺ و راه و رسم پدرم علی بن ابی طالب (علیه السلام) است.»

۳-۲-۳. نقل قول

سخن و قول امام برای شیعیان حجت است. نقل قول امام در طول قیام بیش از همه از آیات قرآن و سخنان پیامبر اعظم ﷺ است. ظاهر امر این بود که پیروان بنی امیه و کسانی که تسلیم حکومت آن‌ها بودند، مسلمان و معتقد به پیامبر ﷺ و کتاب خدا هستند از صحنه‌های عجیب در این قیام این است که حتی حاضران در سپاه عمر سعد به نمازهای پنج‌گانه مقید بودند و اذانی را می‌خواندند که در آن به نبوت حضرت محمد ﷺ شهادت می‌دادند و عجیب‌تر آنکه حر بن یزید ریاحی و یارانش که راه را بر امام بستند و مانع از ادامه مسیر ایشان به کوفه شدند، نماز ظهر و عصر را به امامت امام حسین (علیه السلام) اقامه کردند (شهیدی، ۱۳۵۹: ۱۵). امام دست‌کم دعوت سران کوفه را برای حرکت به سمت عراق، مسئولیت‌آور می‌دانستند و به این نامه‌ها هم استناد می‌کردند؛ یعنی به‌نوعی امام برای نشان دادن تعارض میان رفتار اولیه برخی کوفیان با حمله برای شهادت ایشان به سخن خودشان در متن نامه‌ها هم استناد می‌کردند.

امام در همان ابتدای ابلاغ دستور یزید از جانب ولید ابن عتبه، والی مدینه برای بیعت با یزید از قرآن کریم نقل قول کردند که «آیا تومی‌خواهی مرا بکشی؟ مثل بنی اسرائیل که در صبحگاهی ۷۰ پیامبر را کشتند»؟

هنگام ورود به مکه این آیه را نقل فرمودند: «لَمَّا تَوَجَّهَ تَلْقَاءَ مَدْيَنَ قَالَ عَسَى رَبِّي أَنْ يَهْدِيَنِي سَوَاءَ السَّبِيلِ» (قصص، ۲۲)؛ چون موسی بن عمران از فرعونیان و منطقه حکومت طاغوتیان به شهر مدین روی آورد چنین می‌گفت: امیدوارم پروردگارم به راه راست رهنمونم گردانده و بر آنچه خیر و صلاح در آن است هدایت‌م فرماید.

وقتی فرستادگان عمرو ابن سعید، والی یزید در مکه راه را بر امام بستند تا مانع حرکت به سمت عراق شوند با وجود تهدید و پافشاری آنان، امام به راه خود ادامه داد (فرهنگ جامع سخنان امام حسین (علیه السلام)، ۱۳۷۷: ۳۷۳) و به این آیه استناد فرمود «لِي عَمَلِي وَلَكُمْ عَمَلِكُمْ أَنْتُمْ بَرِيئُونَ مِمَّا أَعْمَلُ وَأَنَا بَرِيءٌ مِمَّا تَعْمَلُونَ» (یونس، ۴۱).

در راه کربلا در منزل بیضه یکی از نقل قول‌های مبنایی برای بیان فلسفه قیام را ذکر فرمودند:

«هرکس سلطان جائری که حلال خدا را حرام می‌کند، ببیند که عهد خدا را نقض می‌کند و با سنت رسول الله مخالفت می‌کند و با وی مخالفت نکند به سخن یا عمل این حق بر خدا هست که او را در همان جایگاه (ظالم) وارد کند.»

۳-۲-۴. حسن تعبیر

حسن تعبیر یعنی انتقال پیام اخلاقی و سیاسی بدون نقض مرزهای اخلاقی. گفتمان امام حسین (علیه السلام) با در نظر گرفتن شرایط خاص تدوین شده بود. امام فرزند امیرمؤمنان و امیرکلام بود و در سخنوری و فصاحت، زیباترین تعابیر را به کار می‌بردند. حتی در اوج ماتم از دست دادن عزیزان با زبان شعر، مرثیه‌سرایی می‌کنند و در صحنه نبرد، رجزهای حماسی می‌خوانند. امام حسین (علیه السلام) با به کارگیری اصطلاحات مثبت، در پی افشای فریبکاری دشمن بود. هدف او انتقال پیامی مهم به تاریخ بود و تأکید می‌کرد که او و پیروانش تصمیم گرفته‌اند از دستوره‌های یزید سرپیچی کنند. «من برای اصلاح امت جدم خروج کردم.» اگرچه وقتی لجاجت کوفیان را دیدند و وقتی کوفیان دعوت از ایشان را انکار کردند، لب به نفرین آن‌ها گشودند، اما با وجود اوج قساوت و دشمنی لشکر عمر سعد حتی نسبت به طفل شیر خواره، از اخلاق و ادب عدول نکردند و لب به دشنام نگشودند.

امام در ساختار زبانی خویش از «ادب گفت‌وگو» بهره برده است؛ با اینکه بارها سخنش را قطع می‌کردند اما از آن‌ها با اصرار می‌خواست به سخنانش گوش دهند، چنان که

خیرخواهی ام سلمه و محمد حنفیه، ابن عباس، عبدالله ابن جعفر را می‌پذیرد، اما تصمیم خویش را با آرامش و احترام اعلام می‌دارد. این راهبرد موجب تقویت چهره معنوی گفتمان و بازنمایی مشروعیت درونی فاعل گفتار می‌شود؛ یعنی امام خود را نه به‌عنوان شورش‌گر، بلکه ادامه‌دهنده خط نبوت و حامل عقلانیت دینی معرفی می‌کند.

۳-۲-۵. استعاره

از آنجا که معجزه اسلام قرآن کریم است. بهره‌گیری از زبان فاخر و فصیح و بلیغ، رکن مهم تاثیرگذاری هر کلامی به‌خصوص در جامعه عربی آن زمان است که هنوز مدح و ذم و حماسه‌سرایی یا مرثیه‌سرایی و خطبه‌های سیاسی و موعظه‌های اخلاقی با زبانی فصیح و کلامی بلیغ به مخاطب منتقل می‌شد. قابلیت سخنوری امام که آن را از امیر کلام امام علی (علیه السلام) به ارث برده بود و در محاجه با مروان نیز ابن حکم بدان اعتراف کرد از مزیت‌های امام در عرصه رویارویی گفتمانی با هواداران و سپاهیان یزید بود.

در طول مسیر حرکت، امام از مدینه تا کربلا بارها از تشبیهات و استعارات برای بیان مقصود و افزایش بلاغت و فصاحت کلام بهره گرفتند. استعاره‌های امام حسین (علیه السلام) نقشی بنیادین در انتقال مفاهیم ماورائی دارند. امام در تمثیل «اگر در تمام دنیا هیچ پناهگاه و مأوایی نباشد، باز با یزید بیعت نخواهم کرد» و نیز ذکر استعاره مرگ به‌مثابه «پل» در متون بعدی، از زبان تصویری برای نشان دادن عبور از محدودیت‌های زمینی به معنویت استفاده می‌کند. استعاره پل در گفتمان حسینی، تجسمی از گذر از ظلمت دنیا به نور شهادت است که نشانه ترکیب بین «زبان عرفانی و زبان سیاسی مقاومت» است. این استعاره‌ها علاوه بر نقش هنری، کارکرد شناختی و اقناعی دارند. مخاطب از طریق تصویرسازی روحانی، نهضت امام را عملی فراتر از سیاست معمول می‌فهمد. امام در عالم رویا از مرگ معاویه مطلع شد به نحوی که فرمودند: من در خواب دیدم که شعله‌های آتش از خانه معاویه بلند است و منبرش سرنگون گردیده است. در زمانی که محمد بن حنفیه قصد منصرف کردن امام را از حرکت به سمت عراق داشت، فرمودند: «پدرم به من خبر داد که به سبب وجود قوچی در مکه احترام آن شهر درهم شکسته خواهد شد و نمی‌خواهم آن

کبش و قوچ من باشم.» چنان‌که تاریخ نشان داد آن قوچ همان عبدالله ابن زبیر بود که سال‌ها بعد در جریان حمله حجاج بن یوسف در کنار کعبه، کشته شد. یا وقتی محمد بن حنفیه، سفر به یمن را پیشنهاد داد، فرمودند: «اگر در لانه مرغی باشم، مرا در خواهند آورد تا با کشتن من به هدف خویش برسند» و حرمت شکنی دشمنان با کشتن ایشان را به حرمت شکنی یهود از روز شنبه تشبیه کردند: «به خدا سوگند! همان گونه که قوم یهود احترام روز شنبه (نماد وحدت و روز تقرب به خدای خویش) را در هم شکستند. این‌ها نیز احترام مرا در هم خواهند شکست.» این تشبیه را امام در مکه در گفت‌وگو با عبدالله بن زبیر تکرار کردند که او هم تظاهر به شوق ماندن امام در مکه می‌کرد و پیشنهاد وی برای ماندن در کعبه را رد کردند و گفتند: «انَّ هَذَا يَقُولُ لِي كُنْ حَمَامًا؛ او به من می‌گوید کبوتر حرم باش! و به خدا سوگند اگر من يك ذرع دورتر از حرم کشته شوم برای من محبوب‌تر است.» از آنجا که امام بر شهادت خود در نهایت قیام، اطمینان داشتند در طول سفر تا کربلا بارها از یحیی‌ای پیامبر که مانند ایشان سر بریده شد و از به ارمغان رفتن سر بریده او برای يك جنایتکار یاد کردند و به طوری که نقل شده است امام در طول سفر خویش از این حادثه تلخ و جنایت بزرگ، مکرر یاد می‌نمود. در جای دیگری امام در خطبه‌ای در مکه در جمع بنی‌هاشم، حتمی بودن مرگ را به اثر گردن‌بند که لازمه گردن دختران است تشبیه کردند: «حُطَّ الْمَوْتُ عَلَى وُلْدِ آدَمَ مَحَطَّ الْقِلَادَةِ عَلَى جِيدِ الْفَتَاةِ» یا تصریح کردند «من به دیدار نیاکانم آنچنان اشتیاق دارم مانند اشتیاق یعقوب به دیدار یوسف و برای من قتلگاهی معین گردیده است که در آنجا فرود خواهم آمد و گویا با چشم خود می‌بینم که درندگان بیابان‌ها (لشکریان کوفه) درس‌زمینی در میان نوایس و کربلا، اعضای مرا قطعه قطعه و شکم‌های گرسنه خود را سیر و انبان‌های خالی خود را پر می‌کنند.»

آن‌گاه که شهر مکه را پشت سر می‌گذاشت، در زمان حرکت به سمت عراق وقتی فرزدق شاعر تعبیر معروف خود را درباره مردم کوفه بیان کرد، آن را تایید کردند اینکه فرزدق گفت «دل‌های مردم با شما و شمشیرهایشان علیه شماست.» روز عاشورا زمان رجزخوانی و حماسه‌سرایی اهل بیت (علیهم السلام) را به چراغ‌هایی تشبیه کردند که راه را روشن می‌کند «وَوَحْنُ بَسْرَاجِ اللَّهِ فِي الْأَرْضِ نَزْهَرٌ».

امام در خطبه کوبنده‌ای که در برابر سپاه عمر سعد ایراد کردند از این دوگانگی و فریبکاری انتقاد کردند که برای دعوت ایشان مانند ملخ به ایشان گرایش پیدا کردند اما الان مانند پروانه به هر سو پراکنده می‌شوند. امام آنان را به آن میوه نامبارکی تشبیه کردند که در گلوی باغبان رنج‌دیده‌اش گیر کند و در کام سارق ستمگرش شیرین و لذت‌بخش باشد.

۳-۲-۶. چشم‌انداز

هر متنی از چشم‌انداز و منظری خاص سخن می‌گوید؛ چشم‌اندازی که امام از آن موضع به مخاطبان و دوست و دشمن می‌نگرد؛ حجت خدا و واسطه فیض الهی است. امام با همه عظمت خود را بنده خدا می‌داند و چنان برای حرمت کعبه احترام قائل است که می‌فرماید حتی اگر من چند قدم دورتر از کعبه کشته شوم بهتر است.

زاویه دید امام حسین (علیه السلام) همواره الهی و کلان‌نگر است؛ نه صرفاً سیاسی یا فردی. در گفتارهای مدینه و مکه، امام تصمیمات خود را با تعابیری چون «وظیفه»، «هدف الهی»، و «اصلاح امت جدّم» بیان می‌کند. نگاه او از سطح حوادث روز فراتر است و «وجدان امت» را مخاطب قرار می‌دهد. این چشم‌انداز باعث می‌شود که سخنان امام از جغرافیای تاریخی فراتر روند و بنیان فکری قیام را به نظام معناشناسی توحیدی پیوند دهند. چشم‌انداز گفتمان امام ترکیبی از زاویه دید الهی (ماورائی) و زاویه دید اجتماعی (اصلاح‌گرانه) است. امام از موقعیت شخصی به موقعیت جمعی گذر می‌کند؛ یعنی خود را به‌عنوان نماینده وجدان ملت معرفی می‌نماید. نمونه آن، فرمان به برادرش محمد بن حنفیه برای مراقبت از مدینه است که نشان از نگرش کلان و مدیریتی نسبت به امت اسلامی دارد. این نقش، نقش هدایتگری و ارشادی است که در همه حال نشان می‌دهد. امام خود را به اهل بیت منتسب می‌کنند که به تصریح قرآن از پلیدی به دورند. امام در نامه به مردم بصره می‌نویسند: «به جان خودم سوگند! پیشوای راستین و امام به‌حق کسی است که به کتاب خدا عمل نموده و راه قسط و عدل را پیشه خود سازد و از حق پیروی کرده وجود خویش را وقف و فدای فرمان خدا کند.»

امام در طول مسیر کسانی را که ممکن است ظرفیت و قابلیت نقش‌آفرینی در این

صحنه بزرگ تاریخی داشته باشند، شخصاً و حضوراً به جهاد دعوت می‌کند. گویی امام، کارگردان زبردستی است که برای آفرینش اثر نمایشی تاریخی در صحنه کربلا در پی بازیگرانی شایسته و خالص است نه گرد آوردن سپاهی لشکر. چنان که وقتی خبر شهادت مسلم رسید به همراهان خود گفتند که مسیر ما به شهادت منتهی می‌شود هر کس می‌خواهد همین جا جدا شود و برود. در شب عاشورا نیز بار دیگر بیعت خود را برداشتند و افراد را مخیر گذاشتند از تاریکی شب استفاده کنند از میدان بیرون بروند. امام اما حجت را بر همگان تمام می‌کنند. ترکیب نقش‌ها و پیوند خوردن حوزه امر خصوصی یا خانواده با امر سیاسی و امنیتی، حیثیتی ویژه به قیام امام حسین علیه السلام می‌بخشد. شاید اگر خانواده امام در کربلا نبودند بخش مهمی از رسالت امام، محقق نمی‌شد یا پیام عاشورا آن‌گونه که بایسته است به تاریخ منتقل نمی‌شد. نکته عجیب آنکه همچنان که سید ابن طاووس در لاهوف آورده است وقتی امام با سپاه کوفه رودررو می‌شوند، می‌پرسند: «آیا من فرزند پیامبر نیستم؟ آیا من فرزند فاطمه نیستم؟» وقتی امام کامل خود را معرفی می‌کنند، کوفیان همه را تصدیق می‌کنند! امام می‌پرسند: «پس چرا برای کشتن من چنین حریص شدید؟» می‌گویند: «همه آنچه را گفتید می‌دانیم اما تا تو را نکشیم دست از تو برنداریم!» (سید ابن طاووس، ۱۳۹۱: ۱۱۹-۱۲۳). نکته دیگر در خور توجه این است که امام دایم بر فرزند پیامبر بودن خود تأکید دارند حتی شمشیر پیامبر صلی الله علیه و آله به دست و عمامه پیامبر را به سر می‌گذارند و این را هم به لشکر کوفه گوشزد می‌کنند تا به صورت عینی و نمادین هم که شده دریابند که گویی مقابل رسول خدا ایستاده و با او در جنگند تا حجت بر ایشان تمام باشد.

۳-۲-۷. انسجام کلی و ساختاری

انسجام گفتارهای امام حسین علیه السلام نه در قالب نحوی بلکه در سطح موضوعی و ارزشی حفظ می‌شود. از اولین سخنان در برابر والی مدینه تا وصیت‌نامه‌اش در مکه، خطوط اصلی گفتمان شامل سه محور ثابت است: امتناع از بیعت، اصلاح امت و اتکاب بر تکلیف الهی. این استمرار معنایی و منطقی سبب می‌شود مخاطب، وحدت هدف امام را در

تمامی مراحل درک کند و از نظر ون دایک این همان انسجام مفهومی است که به حفظ هویت گفتمان کمک می‌کند. انسجام ساختاری در گفتمان امام بر پایه پیوستگی مفهومی میان ارزش، وظیفه و اقدام عملی بنا شده است؛ هر گفتار جدید، ادامه طبیعی گفتار پیشین است و هیچ گسست معنایی در مسیر گفتمان دیده نمی‌شود. به این ترتیب گفتمان امام حسین (علیه السلام) دارای پایایی معنایی است که نهضت او را از واکنشگری فردی به پروژه‌ای فکری و الهی تبدیل می‌کند. لذا سخنان امام از یک مقدمه و بحث آغاز می‌شود و به یک نتیجه ختم می‌شود در مدینه، مکه و کربلا ایدئولوژی امام تغییر نکرد (حمیدی فشکی فراهانی، ۱۳۹۲: ۲۱۵).

۴. نتیجه‌گیری

بهره‌گیری از روش‌های نوینی مثل تحلیل گفتمان، راهکار مناسبی برای واکاوی فرهنگ اهل بیت (علیهم السلام) به زبان علمی روز است. هدف اصلی این مقاله نشان دادن کنش گفتاری امام حسین (علیه السلام) و ظرفی‌های زبان برای بازنمایی قدرت، مقاومت و اصلاح امت به‌عنوان اهداف قیام بود. در این مقاله با بهره‌گیری از تحلیل گفتمان انتقادی ون دایک نشان داده شد که گفتمان سیاسی امام حسین (علیه السلام) در سخنان و کلمات امام از آغاز خروج ایشان از مدینه تا شهادت در کربلا در جهت تحقق اهداف و انگیزه‌های قیام قرار داشته است. اهدافی که اصلاح امت و نشان دادن بطلان گفتمان اموی در رأس آن قرار داشت. امام، مسیر قیام را عرصه مبارزه قرار داده؛ کنش گفتاری را در نهایت با حماسه رزمی در کربلا در خدمت اهداف نهضت قرار داد. امام، حرکت به سمت عراق و مواجهه و محاجه با خود کوفیان و اتمام حجت با آنان را قبل از شهادت، افشاندن بذری می‌دانستند که در آینده نه چندان دور بارور می‌شود. امام به‌عنوان حجت خدا در روی زمین و با استناد به شخصیت و منش و رفتار یزید بن معاویه پذیرش بیعت وی را به هیچ وجه روا نمی‌دانست و حاکم شدن یزید در جامعه را مساوی با پایان اسلام می‌دانست. از حیث راهبردهای گفتمانی می‌توان گفت امام در راهبرد چشم‌انداز موضع و مقامی را که آن جایگاه با مردم مواجه شد؛ یعنی امام و حجت خدا در روز زمین و خالق گفتمانی که احیاگر گفتمان نبوی و علوی است

تعریف کردند. راهبرد واژگان با بهره‌گیری از واژگان عمدتاً قرآنی یا روایات قطعی نبوی، راهبرد دوقطبی‌سازی با نشان دادن حق در برابر باطل، راهبرد نقل قول از قرآن و رسول خدا، راهبرد استعاره با بهره‌گیری از استعارات و تشبیهات گویا برای قابل درک شدن احتجاجات امام به مخاطبان عام و نخبه، راهبرد انسجام سختری برای تعیین خط سیر و مسیر مطلوب اقناعی در کلام در خطبه‌ها و نامه‌ها گفتمان حسینی را نامبردار ساخت که حول سه محور اساسی دور میزد: اثبات حقانیت اهل بیت (علیهم السلام)؛ افشای مفاسد و باطل بودن حکومت اموی و فریب خوردن نخبگان مسلمان ایفاگر نقشی که با شهادت این درس تاریخی که مبارزه با ظلم تا مرز شهادت، مطلوب و شدنی است، به تاریخ دادند. مقاله حاضر نسبت به تحقیقات پیشین کوشید به طور خلاصه بر کنش گفتاری امام متمرکز شود و همه نامه‌ها و سخنان امام را بررسی و میان اهداف امام و گفتمان حاکم بر سخنان و نامه‌های امام به شناخت ایدئولوژی و گفتمان سیاسی امام دست یابد. مسلماً بسیاری از سخنان و کلمات امام در فرهنگ شیعه رسوخ یافته و به اصول و مولفه‌های اساسی فرهنگ شیعه تبدیل شده است.

منابع و مآخذ

قرآن کریم.

- آفاگل‌زاده، فردوس. (۱۳۸۵). *تحلیل گفتمان انتقادی*. تهران: علمی و فرهنگی.
- ابن کثیر، اسماعیل ابن عمر. (۱۴۰۷ق). *البدایه و النهایه*. جلد هشتم. بیروت: دارالفکر.
- امیری دوماری، نفیسه؛ اموی، فاطمه عذرا. (۱۴۰۳). «تحلیل انتقادی مدخل امام حسین مطالعه موردی درباره صلح امام حسن (علیه السلام) در دایره‌المعارف اسلام». *تاریخنامه اسلام*. سال ششم. شماره دهم. صص: ۳۴-۳۵.
- بارانی، محمدرضا؛ پاکروان، مهدیه. (۱۳۹۸). «تحلیل سخنان امام حسین (علیه السلام) از مدینه تا مکه بر پایه کنش‌های گفتاری جان سرل». *مطالعات تاریخ فرهنگی*. دوره ۱۱. شماره ۴۲. صص: ۳۷-۶۹.
- بهروزی لک، غلامرضا. (۱۳۸۸). «کاربرد تحلیل‌های گفتمانی در مطالعات سیاسی اسلامی». *درویش‌شناسی در مطالعات سیاسی اسلام*. به کوشش علی اکبر علیخانی و همکاران. چاپ دوم. تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- پیشوایی، مهدی. (۱۳۸۹). *تاریخ قیام و مقتل جامع سیدالشهدا*. گروهی از تاریخ‌پژوهان زیر نظر مهدی پیشوایی. جلد اول. قم: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- تاجیک، محمدرضا. (۱۳۸۷). *میشل فوکو و انقلاب اسلامی*. تهران: مؤسسه توسعه دانش و پژوهش ایران.
- سلطانی، علی اصغر. (۱۳۸۴). *قدرت، گفتمان و زبان*. تهران: نی.
- حمیدی فشکی فراهانی، سمیه. (۱۳۹۲). «تحلیل گفتمان سخنان امام حسین (علیه السلام) از مدینه تا کربلا». *پایان نامه کارشناسی ارشد ادبیات عرب*. دانشگاه سمنان.
- حیدری، احمد. (۱۳۸۱). «امام حسین (علیه السلام) و تشکیل حکومت اسلامی». *حکومت اسلامی*. سال هفتم. شماره ۲۵. صص: ۴۳۸-۴۷۳.
- سید ابن طاووس. (۱۳۹۱). *اللاهوف*. ترجمه علیرضا رجالی تهرانی. چاپ هجدهم. قم: انتشارات نبوغ.
- شهیدی، سید جعفر. (۱۳۵۹). *پس از پنجاه سال؛ پژوهشی تازه پیرامون قیام امام حسین (علیه السلام)*. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- صافی گلپایگانی، لطف الله. (بی تا). *حسین شهید آگاه رهبر نجات بخش اسلام*. قم: کتابخانه صدر.
- صالحی نحف آبادی، نعمت الله. (۱۳۴۹). *شهید جاوید حسین بن علی (علیه السلام)*. قم: چاپ مشعل آزادی.
- عالمی دامغانی، ابوالقاسم. (۱۳۷۶). *نامه‌ها و ملاقات‌های امام حسین (علیه السلام)*. سخنرانی‌های استاد نظری منفرد. قم: بنیاد معارف اسلامی.
- فرهنگ جامع سخنان امام حسین*. (۱۳۷۷). ترجمه کتاب موسوعه کلمات الامام الحسین. تالیف گروه حدیث پژوهشکده باقر العلوم محمود شریفی و دیگران. قم: نشر معروف.
- قلی‌پور، محسن؛ مجیدی، حسن؛ بخشایی، داوود. (۱۴۰۱). «شکل‌گیری گفتمان سیاسی از واقعه عاشورا در دوران معاصر ایران تا دوره انقلاب اسلامی؛ با تأکید بر اندیشه‌های امام خمینی (ره)». *پژوهشنامه انقلاب اسلامی*. دوره ۱۲. شماره ۴۳. صص: ۷۸-۶۳.

- طبری ابی جعفر بن جریر. (۱۴۲۸ق). *تاریخ الطبری*. حقیقه محمد ابن طاهر البرزنجی و محمد صبحی حسن حلاق. المجلد الرابع. بیروت-دمشق: دار ابن کثیر.
- طاهرزاده، مریم؛ ابوالحسنی چیمه، زهرا؛ صیامیان گرجی، زهیر. (۱۳۹۸). «بازیابی راهبردهای ایدئولوژیک در گفتمان کتاب‌های دانشگاهی، مطالعه کتاب‌های تاریخ ایران دوره میانه». *پژوهش و نگارش کتب دانشگاهی*. شماره ۹۹. صص: ۷۵-۴۹.
- رحمتی، محمدحسین؛ خنیفر، حسین؛ کتابی، ابراهیم. (۱۳۹۵). «الگوی رهبری امام حسین علیه السلام». *مدیریت اسلامی*. سال ۲۴. شماره ۳. صص: ۱۲۹-۱۴۵.
- رنجبر، مقصود. (۱۳۸۲). «گفتمان عاشورایی و انقلاب اسلامی». *پگاه حوزه*. شماره ۹۲.
- زاجکانی، سودابه؛ هدیه، تقوی، هدیه. (۱۴۰۳). «تحلیل گفتمان نامه‌های امام حسین علیه السلام به کوفیان در جریان واقعه عاشورا». *پژوهش‌های تاریخی*. سال شانزدهم. شماره ۶۴. صص: ۶۴-۴۵.
- مسعودی، علی ابن الحسین بن علی. (بی تا). *مروج الذهب و معادن الجواهر*. بتحقیق محمد محی الدین عبدالحمید. لبنان: دار المعرفة.
- میلز، سارا. (۱۳۸۲). *گفتمان*. ترجمه فتاح محمدی. زنجان: هزاره سوم.
- نجفی، محمد صادق. (۱۴۰۲). *سخنان امام حسین از مدینه تا کربلا*. چاپ سوم. قم: بوستان کتاب. قابل بازیابی متن کتاب از وبگاه:
- https://ketaab.iec-md.org/IMAM_HOSSEIN/sokhanaan_hossein_madineh_karbala_najmi_fehrest.html
- ون دایک، تون. (۱۳۸۷). *مطالعاتی در تحلیل گفتمان: از دستور متن تا گفتمان کاوی انتقادی*. ترجمه پیروز ایزدی و دیگران. تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.
- یورگنسن، ماریان؛ فیلیپس، وئیز. (۱۳۸۹). *نظریه و روش در تحلیل گفتمان انتقادی*. ترجمه هادی جلیلی. تهران: نی.
- Van Dijk, Teun A (1998). Opinion and Ideologies in the Press, In Approaches to Media Discourse, Edited by Allan Bell and Peter Garrett, Blackwell Publication.
- Van Dijk and A. Teun (2004). Ideology and Discourse, London: Sage Publication
- Mohammed Ahmed Ali Al Fuadi (2025). Political Discourse of Imam Hussein between Euphemism and Dysphemism India "ISRG Journal of Arts Humanities & Social Sciences (ISRGJAHSS)"

Analysis of Political Discourse of Imam Hussein's (as) based on Sermons and Letters

Hassan Majidi ¹

Received: February 02 , 2026

Revised: April 22 , 2026

Accepted: May 02 , 2026

Abstract

Problem: Shiite political discourse owes its debt to the Master of martyrs' uprising, a valuable center of the reformist and revolutionary movement, which is educative lesson in both practical and verbal action. Analysis of the dimensions of Imam Hussein's (AS) speech action and political discourse from the beginning of the uprising from Medina to his martyrdom on the day of Ashura based on the Imam's speeches and letters has been done less frequently. This article examines Imam Hussein's (AS) sermons and letters from Medina to Karbala using Theon Van Dyke's critical discourse analysis method. The main goal of this article is to show Imam Hussein's (AS) speech action and the capacities of language for representing power, resistance, and reform of the nation as the goals of the uprising. The findings of the article show that the Imam's speeches and writings, using the Holy Quran and the Prophet's words, have deeply ideological structures and represent the goals of the uprising to prove their legitimacy and invalidate the ideology and actions of the ruling power. The Imam uses strategies such as quotation (mainly from the Quran and the Prophet's words), value words, semantic coherence, polarization (especially truth and falsehood), metaphor, euphemism, and perspective (mainly the position of Imamate and God's proof for the people) in shaping his political discourse. The use of these strategies has been effective in establishing and perpetuating the political discourse of Imam Hussein (AS).

Keywords

Imam Hussein (AS), discourse analysis, Van Dijk, sermons, linguistic strategies, Ashura.

1. Associate professor, Department of Political Science, Imam Sadegh University, Tehran, Iran:
h.majidi@isu.ac.ir